



مناطق و قدرت‌ها: ساختار امنیت بین‌المللی*

نوشته‌ی باری بوزان و ال ووبر^۱

معرفی توسط دکتر رحمن قهرمان‌پور (مترجم کتاب)

باری بوزان در حوزه مطالعات امنیتی چهره شاخص و شناخته شده‌ای بوده و کتاب‌های او همواره بحث‌های مختلفی را در میان متخصصان دانشگاهی امنیت و نیز دست‌اندرکاران مسایل امنیتی برانگیخته است. کتاب دولت‌ها، مردم و هراس او را می‌توان نقطه عطفی در حوزه مطالعات جدید امنیتی در دهه ۱۹۹۰ دانست. باری بوزان در رویکرد خود به موضوع امنیت تلاش کرده است آن را در حوزه‌های مختلف بررسی کند. مقوله امنیت اجتماعی و هویتی را بی‌شک باید تأثیر گرفته از رویکرد بوزان نسبت به امنیت دانست.

اگر بوزان در کتاب دولت‌ها، مردم و هراس تلاش کرده است به یک طبقه‌بندی از امنیت دست پیدا کند، در آثار دیگر خود امنیت را در سطوح مختلف مطالعه کرده است. کتاب فوق بطور مشخص به امنیت بین‌المللی می‌پردازد و می‌کوشد با ارائه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای (RSCT)^۲ امنیت بین‌المللی مورد مطالعه قرار دهد. به باور بوزان با وجود مهم بودن سطح منطقه‌ای در دوران جنگ سرد رقابت ابرقدرت‌ها مانع از ایفای نقش پویای امنیت منطقه‌ای در امنیت بین‌المللی می‌شد، اما با پایان جنگ سرد اهمیت سطح منطقه‌ای آشکار شده است.

* *Regions and Powers: The Structure of International security, Cambridge: Cambridge University. 2003, 564 pages*

^۱ *Barry Buzan, and Ole Woever*

^۲ *Regional Security Complex Theory (RSCT)*

فرض بنیادین بوزان و ویور آن است که برخلاف ادعای رنالیسم، امنیت در سطح منطقه‌ای الزاماً تابع امنیت در سطح بین‌المللی نیست. نمی‌توان با مطالعه مسایل مرتبط با امنیت بین‌المللی، امنیت را در مناطق هم درک کرد. برای بسیاری از دولت‌های جهان امکان بازی در یک سطح جهانی مثل ابرقدرت‌ها یا قدرت‌های بزرگ وجود ندارد و لذا مسایل اصلی امنیتی آنها در همسایگی آنها تعریف شده است. افزون بر این، بوزان و ویور فرض بنیادین رویکردهای جهان‌گرا و جهانی شدن به امنیت را که می‌گوید در عصر جهانی شدن ما با غیرسرزمینی شدن امنیت مواجهیم و تهدیدات امنیتی می‌توانند بدون توجه به فاصله فیزیکی به سرعت گسترش پیدا کنند، را هم نمی‌پذیرد. به باور آنها هنوز هم در دنیای جهانی شده سرعت انتقال تهدیدات رابطه مستقیمی با فاصله فیزیکی دارد، هر چه فاصله کمتر، سرعت انتقال بیشتر. بدین سان رویکرد منطقه‌گرای کتاب در حد فاصل دو رویکرد جهان‌گرا و واقع‌گرا قرار می‌گیرد.

اگر رویکردهای جهانی شدن را ذیل نظریه‌های پست‌مدرن و سازنده‌گرا در نظر بگیریم، نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای در حدفاصل رنالیسم دولت محور و سازنده‌گرایی قرار دارد. زیرا ضمن پذیرش بازیگر اصلی بودن دولت در نظام بین‌المللی، بر نقش الگوهای دوستی و دشمنی در تشکیل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای تأکید می‌کند. نکته حایز اهمیت این است که مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای وقتی از درجه امنیت نگر بسته می‌شوند منطقه می‌باشند ولی ممکن است از زوایای دیگر منطقه نباشند. در تعریف بوزان و ویور از یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای، «امنیتی کردن» یا «غیرامنیتی کردن» نقش اصلی را ایفا می‌کند. اگر چند بازیگر دولتی حوادث و تحولات مشترکی را امنیتی می‌کنند بدان معناست که در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای واقع شده‌اند. به نوشته بوزان و ویور مجموعه امنیتی منطقه‌ای مجموعه‌ای از واحدهاست که در آنها فرایندهای عمده امنیتی کردن و غیرامنیتی

کردن یا هر دوی آنها آن اندازه در هم تنیده شده‌اند که مشکلات امنیتی واحدها عقلاً جدای از یکدیگر قابل تحلیل نیست.

مجموعه‌های امنیتی بواسطه الگوهای پایدار دوستی و دشمنی تعریف می‌شود. متغیرهای تاریخی نظیر دشمنی‌های پایدار (یونانی‌ها و ترک‌ها، اعراب و ایرانی‌ها، خمرها و ویتنامی‌ها) یا قرار گرفتن در یک حوزه تمدنی دارای فرهنگ مشترک (اعراب، اروپایی‌ها) ویژگی‌های خاص یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای محلی را تحت تأثیر قرار می‌دهند. شکل‌گیر مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای از یک طرف ناشی از تعامل میان ساختار آنارشیک و تبعات آن برای موازنه قوا و از طرف دیگر فشارهای ناشی از نزدیکی جغرافیایی محلی می‌باشد. مجاورت فیزیکی ساده موجب می‌شود تعاملات امنیتی میان همسایگان به مراتب بیشتر از تعاملات امنیتی دولت‌هایی باشد که در مناطق مختلف واقع شده‌اند. بر این اساس در حالی که ممکن است موضوعی در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای تهدید تلقی شود، در مجموعه‌ای دیگر تهدید نباشد.

بوزان و ویور با این مقدمه نظری می‌کوشند یک نقشه امنیتی از جهان براساس مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای تهیه کنند و به عبارت ساده‌تر امنیت بین‌المللی را از طریق این مجموعه‌ها مطالعه کنند. از همین رو در ابتدا سه نوع مجموعه امنیتی منطقه‌ای را شناسایی می‌کنند، استاندارد، مرکزدار، قدرت بزرگ‌دار. علاوه بر این در بخش‌هایی از دنیا نظیر شاخ آفریقا هنوز تعاملات امنیتی باعث شکل‌گیری یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای نشده‌اند. افزون بر این بازیگرانی هستند که در جوار مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای مختلف قرار گرفته‌اند، اما به هیچ یک از آنها تعلق ندارند، مثل ترکیه. این کشورها را می‌توان عایق و نه مطابق دیدگاه رئالیستی حایل نامید. افزون بر این در منطقه‌ای همانند آسیا شاهد ظهور یک ابر مجموعه امنیتی منطقه‌ای به جای مجموعه امنیتی منطقه‌ای می‌باشیم. بنابراین مجموعه امنیتی منطقه‌ای

فقد مرزهای ثابت و دائمی بوده و در حال تغییر می‌باشد. از این رو درک پویش‌های امنیتی در هر مجموعه برای درک مسیر احتمالی آینده ضروری و لازم است. از نظر بوزان و ویور در حال حاضر ساختار منطقه‌ای امنیت جهانی از یازده مجموعه امنیتی منطقه‌ای تشکیل شده که سه منطقه مرکزدار (آمریکای شمالی، CIS و اروپا- اتحادیه اروپا)، یک مجموعه قدرت بزرگ‌دار (شرق آسیا) و هفت مجموعه استاندارد (آمریکای جنوبی، خاورمیانه، شاخ آفریقا، آفریقای جنوبی، آفریقای مرکزی و جنوب آسیا) می‌باشد.

نکته جالب توجه در مطالعه این مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها می‌باشد. در حالی که شباهت‌ها عمدتاً ناشی از میزان تعاملات و قرابت جغرافیایی می‌باشد، امنیتی کردن منشاء اصلی تفاوت‌هاست. اینکه در یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای بازیگران چه چیزی را تهدید امنیتی تعریف می‌کنند، جالب توجه است. به عنوان مثال در حالی که در مجموعه منطقه‌ای اتحادیه اروپا بازگشت به دوران موازنه قوا و جنگ جهانی دوم یک تهدید برای کل اروپا یک تهدید برای کل اروپا یک تهدید امنیتی تعریف می‌شود، در خاورمیانه و در زیر منطقه شامات هویت درمنازعه اعراب - اسرائیل امنیتی شده است. نکته دیگر آنکه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای الزاماً نمی‌گوید در همه مناطق سطح منطقه‌ای برتر و مسلط است، بلکه تسلط یک سطح در مقوله امنیت در هر منطقه بستگی به نوع پویش‌های امنیتی و نیز نحوه تکوین مناطق دارد. ممکن است در یک مجموعه یک سطح برتر باشد و در مجموعه‌ای دیگر دو سطح همزمان حایز اهمیت باشند. مثلاً در آمریکای شمالی به دلیل سلطه ایالات متحده آمریکا بر مجموعه، سطح منطقه‌ای چندان حایز اهمیت نیست، اما در کارائیب و آمریکای مرکزی اهمیت سطح منطقه‌ای بیشتر است. در اروپا سطح بینا منطقه‌ای نسبتاً قوی بود و سطح جهانی و داخلی ضعیف‌اند، در حالی که در خاور میانه این سطح ضعیف بوده و سطح منطقه‌ای، داخلی و بین‌المللی اهمیت بیشتری دارند.

نتیجه آنکه نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای را باید در قالب نظریه‌های مطالعات منطقه‌ای قرار داد که طی یک دهه گذشته به سرعت گسترش پیدا کرده است. این نوع نظریه‌ها در حدفاصل نظریه‌های خاص‌گرا و عام‌گرا واقع شده‌اند، به این معنی که معتقدند مناطق در عین داشتن ویژگی‌های منحصر به فرد، ویژگی‌های مشترکی نیز دارند که امکان مطالعه و مقایسه آنها را فراهم می‌کند. فرض نهفته در این رویکرد این است که خاص و استثنایی تلقی کردن یک منطقه باعث می‌شود نتوانیم آن را در مقایسه با دیگر مناطق مطالعه کنیم. از سوی دیگر این فرض رئالیستی که مناطق زیر سیستم‌های نظام بین‌المللی بوده و فاقد ویژگی‌های جداگانه می‌باشند نیز راه‌گشا نیست. با اندکی اغماض رویکرد مزبور را می‌توان در چارچوب هستی‌شناسی سوم که در دهه ۱۹۸۰ در علوم اجتماعی ظهور کرده قرار داد. اگر دولت را کارگزار و نظام بین‌المللی را ساختار در نظر بگیریم، سطح منطقه‌ای در حد فاصل این دو قرار دارد.

نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای ابزار نظری و تحلیلی مناسبی برای شناسایی و تحلیل تهدیدات موجود برای امنیت ملی کشور است. کافی است مجموعه امنیتی که آن کشور در آن واقع شده است را شناسایی و ویژگی‌های آن را درک کنیم. مثلاً جمهوری اسلامی ایران در همان حال که در مجموعه امنیتی منطقه‌ای خاورمیانه واقع شده، هم مرز دو مجموعه امنیتی منطقه CIS و آسیای مرکزی و قفقاز و نیز غرب آسیا می‌باشد که باعث می‌شود تهدیدات متنوعی از جانب این مجموعه‌ها متوجه امنیت ملی ایران باشد. افزون بر این در داخل مجموعه منطقه‌ای استاندارد خاورمیانه نیز، ایران با دو زیر مجموعه شامات و خلیج فارس همسایه است که الزاماً پویش‌های یکسانی ندارند. در این چارچوب احصای تهدیدات امنیت ملی ایران مستلزم شناخت تهدیدات موجود در این مجموعه‌هاست. مثلاً در حالی که در مجموعه امنیتی CIS، نقش روسیه تأثیر بسیار مهمی بر پویش‌های امنیتی منطقه‌ای دارد، در شامات منازعه اعراب - اسرائیل و در خلیج فارس نبود یک نظام امنیت

دسته‌جمعی مهمترین تهدیدات محسوب می‌شوند. چنین تحلیلی حتی می‌تواند در سطح خرد یعنی امنیت مرزها نیز مورد استفاده قرار گیرد. یعنی با شناخت پویش‌های امنیتی در مرزهای ایران می‌توان محتمل‌ترین تهدیدات کنونی و آتی را شناسایی کرد. به عنوان مثال ویژگی زیر مجموعه شامات، امنیتی کردن هویت‌هاست، یهودیان، اعراب را دشمن هویتی خود فرض می‌کنند و برعکس. از سوی دیگر رقابت مستمری در این زیر منطقه میان عراق و سوریه وجود داشته و مسأله کردها نیز توسط عراق امنیتی شده است. امنیتی کردن مسأله کردها بود که در آستانه جنگ داخلی میان کردها و حکومت مرکزی در دهه ۱۹۹۰ موجب ورود جمعیت کثیری از آوارگان کرد عراق به ایران شد. اما نباید نتیجه گرفت که حتماً باید در هر (زیر)مجموعه امنیتی منطقه‌ای حتماً باید تهدیدی علیه مرزهای سرزمینی وجود داشته باشد.

نتیجه مهم دیگر رویکرد بوزان و ویور این است که ممکن است در یک منطقه نحوه شکل‌گیری پویش‌های امنیتی بگونه‌ای باشد که میان سطح داخلی و منطقه‌ای و بین‌المللی نوعی تأثیرگذاری متقابل نزدیک وجود داشته باشد. در این صورت نمی‌توان تأثیر تحولات منطقه‌ای بر سیاست‌گذاری داخلی در حوزه امنیتی را نادیده گرفت. جهان عرب نمونه‌ی خوبی در این مورد است. اتصالات فراملی و پان‌عربیستی اعراب باعث می‌شود مسأله‌ای نظیر بنیادگرایی اسلامی و اقدامات تروریستی در سطح داخلی جنبه‌ی منطقه‌ای پیدا کند و برعکس. هیچ دولت عربی نمی‌تواند پیامدهای امنیتی ناشی از اعتراض مردم جهان عرب نسبت به حمله آمریکا به عراق را نادیده بگیرد. زیرا همه اعراب براساس هنجارهای پان عربی دارای نوعی حس وحدت می‌باشند و لذا حمله به یک کشور عربی را به منزله حمله به کل جهان عرب تلقی می‌کنند. در زمان حمله آمریکا به عراق، اعتراضات اسلام‌گرایان و سایر گروه‌ها به جنگ آن اندازه زیاد بوده که حکومت مصر را وادار به همراهی با آنها کرد. مسأله کردها هم پس از حمله آمریکا به عراق پتانسیل فراملی شدن پیدا کرده

است، به این معنا که وجود شرایط مساعد منطقه‌ای برای خود مختاری کردها، باعث افزایش تمایلات خودمختاری در سطح داخلی کشورهایی مثل ایران، ترکیه و سوریه شده است و این یعنی تأثیرپذیری سیاست‌های داخلی از تحولات یک مجموعه امنیتی منطقه‌ای.

نگارنده این سطور ترجمه این کتاب را به سفارش پژوهشکده مطالعات راهبردی به پایان رسانیده و اکنون در حال ویراستاری محتوای آن می‌باشد. به دلیل سبک نوشتاری خاص بوزان، روان‌تر کردن متن ترجمه مستلزم ویراستاری دقیق‌تر می‌باشد. امید می‌رود چاپ این کتاب ضمن افزودن به غنای ادبیات مطالعات امنیتی در ایران، الگویی تازه نیز برای تحلیل مسایل امنیتی مرتبط با جمهوری اسلامی ایران در نظام بین‌الملل ارائه دهد. ویژگی و در واقع حسن نظریه‌ها این است که از یک منظر روش‌شناختی وقتی به یک موضوع یا پدیده از زوایای مختلف می‌نگریم نکته‌های جدید و متفاوتی را می‌یابیم. نظریه مجموعه امنیتی منطقه‌ای هر چند ضعف‌های خود را دارد و نویسندگان کتاب نیز به این ضعف‌های نظری و کاربردی اشاره کرده‌اند، اما ابزاری نوین برای تحلیل مسایل امنیتی و نیز سیاست‌گذاری‌های امنیتی ارائه می‌دهد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی



شروېشگاه علوم انساني و مطالعات فرهنگي
پرتال جامع علوم انساني